

حقوق جزائی

موضوع حقوق جزا

است در صورتیکه بعضی از شعب دیگر حقوق مثل حقوق مدنی یا حقوق تجارتی از شعب حقوق خصوصی بشمار میروند چون منظور از این رشته‌های حقوقی تعیین روابط افراد است و حال آنکه حقوق جزائی که روابط بین افراد و دولت را تعیین میکند مربوط بحقوق عمومی است .
برای درک موضوع حقوق جزائی لازم است قبلاً حقوق جزائی را از سایر علوم اجتماعی تمیز داده و بعد رابطه علم حقوق جزائی را با این علم اجتماعی تعیین نماییم .

حقوق جزا با اخلاق مشبه نمیشود

حقوق جزا از علم اخلاق مجزی است گر چه علم اخلاق موضوعش مثل حقوق جزائی تعیین بعضی از تکالیف انسان در روابط با دیگران است ولی اخلاق موضوعش فقط تعیین وظایف اشخاص نسبت بدیگران نیست اخلاق دارای اشکال متعدد است :

اولاً اخلاق مذهبی یعنی اخلاقیکه موضوعش تعیین وظایف انسان است نسبت بخدا حقوق جزا با علم اخلاق مذهبی مخلوط نمی شود زیرا حقوق جزا منظور از مجازات عدم اجرای تکالیف افراد نسبت به خالق نیست این حقیقت را که عموماً قائل بان هستند همیشه مورد قبول عامه نبوده و در قدیم الایام بعضی از مجازاتهای حقوق مشبه از قبیل تکفیر وجود داشته که عدم اجرای وظایف انسانی را نسبت به خدا مجازات مینموده امروزه تعقیب و مجازات این امور مخالف یکی از اصول مهمه حقوق عمومی جدید است که اصل آزادی وجدانی است

ثانیاً حقوق جزا مشبه با اخلاق فردی هم نمی

حقوق جزائی عبارتست از مجموعه قواعدی که در هر کشور اعمال و اجرای مجازات را بوسیله دولت تنظیم مینماید .

هرسال مقدار زیادی صورت مجلس یا شکایت و یا اعلام جرم بمدعیان عمومی که بطور عموم باسم یار که نام برده میشوند تقدیم میشود .

صورت مجلس اوراقی است که بواسطه ضابطین عدلیه و مأمورین کشف جرم که عهده دار تعقیب تخلفات قوانین جزائی میباشد تنظیم میشود .

شکایات و اعلام جرم از اشخاصی که معنی علیه یا شاهدواقعه بوده اند میرسد . اعمالی که باعث این مشاهدات میشود از نظر اخلاقی و درجه خطرناکی با هم یکی متفاوت است از همه مهمتر جنایت است مثل قتل و کم اهمیت تر از همه خلاف ورستی دیگری از جرائم بین این دو دسته که باسم جنحه نامیده میشوند مثل سرقت کلاه برداری و خبیانت در امانت با اینکه اختلاف بین دسته های جرائم مذکوره وجود دارد معیناً قدر مشترکی دارند که عبارت از ضدیت آنهاست با مفاعع جامعه و منظور از حقوق جزائی حفظ نظام اجتماع است . از طرف دیگر فقط دولت است که عهده دار تعقیب اعمال خلاف منفعت جامعه است . بدون شك و تردید اغلب از جرائم مثل قتل یا سرقت زیان بمنفعت افراد هم میرساند ولی تعقیب و مجازات بدکاران با افرادی که زیان دیده اند نیست افرادی که خود در صدور مجازات بر میانند انتقام میکشند و حق دادن مجازات مخصوص دولت است از این لحاظ حقوق جزائی شعبه از حقوق عمومی

شود که موضوع علم اخیر تعیین تکالیف انسان است نسبت بخودش بهمین مناسبت مستی جرم محسوب نمیشود مگر وقتی که نظام جامعه را مختل کند و نیز قصد یا معاونت در خود کشی در قوانین فرانسه مجازاتی ندارد ولی باید متذکر بود که در قوانین بعضی از کشورها مقررات مختلفی در این باب وجود دارد .

ثالثاً - حقوق جزا با قسم سوم از اخلاق نیز مشتبه نمیشود یعنی با اخلاق اجتماعی که تکالیف هر فردی را نسبت بهم نوعان خود بیان میکند و این تکالیف بر دو قسم است : تکالیف احسان و دستگیری و تکالیف عدالت . حقوق جزائی بهیچوجه ضمانت اجرائی برای تکالیف احسان و دستگیری که فقط جزو تکالیف اخلاقی انسانی است قائل نشده بعلاوه تمام وظایف عدالتی که وجدان ما خواهان است در قانون جزا ضمانت اجرائی ندارد جز آن دسته که عدم مراعات آنها منجماً باعث اغتشاش کوی در جامعه میشود و اگر غیر از این بود عده جرائم فوق العاده زیاد و از شماره خارج و بعلاوه دخالت غیر قابل تحمل دولت را در زندگی فردی اشخاص ایجاد میکرد باعکس حقوق جزائی بعضی از امور را که اخلاق محکوم نمیکند تعقیب مینمایند برای اینکه آن اعمال با نظاماتی که قدرت اجتماعی برای نگاهداری نظم بر قرار کرده مخالفت دارند از قبیل تقصیرات خلافی .

حقوق جزا و اخلاق را اغلب بشکل دوائری که دارای يك مرکز هستند تشبیه کرده اند مسیو گارسن Garçon در یکی از رسالات خود با اسم حقوق جزائی عبارت نام برده را باین طرز قبول نکرده و بهتر آن دانسته که باین صورت گفته شود که اخلاق و حقوق جزائی دو دایره هستند که همدیگر را قطع میکنند و بالنتیجه دارای سطح مشترك ولی هر کدام سطحی مخصوص بخود دارند .

حقوق جزا با حقوق مدنی مشتبه نمیشود

حقوق جزا با حقوق مدنی هم فرق دارد غالباً گفته شده است که فایده حقوق جزائی تأمین اجرای قوانین

حقوق مدنی است ولی این اظهار صحیح نبوده زیرا حقوق جزائی بخودی خود ایجاد تمهیداتی نمیکند و این تلم فقط صورت قانون مجازاتی ندارد باین طریق که تمهید احترامات حیات و سلامتی هم نوعان تمهیداتی است که حقوق جزا تعریف میکند و بر عکس حقوق مدنی صورت قانون مجازاتی هم دارد و برای تمهیداتی که ایجاد کرده تعیین ضمانت اجرائی هم میکند مثلاً وقتی که مدیونی پس از محکومیت که محکوم بخسارت حیرانی و تأخیر در تأدیه شده و امتناع از ادای دین کند برای اجرای تمهید موله از حکم محکمه وسائل اجبار در قانون مدنی تعیین شده و در باره او مجری است بالاخره در قسمتی قدر مشترك دارد مخصوصاً در مورد ترمیم اعمال خسارت آمیز که در عین حال جرم مدنی و جزائی محسوب میشود ولی اختلاف این دو جرم از این قرار است : حقوق مدنی در مورد اعمال خسارت آور فقط ترمیم خسارت وارده بشخص را خواستار است ولی حقوق جزا مجازات خسارت اجتماعی را که جرم باعث شده تعیین می کند و از این رو معلوم میشود که حقوق مدنی شعبة از حقوق خصوصی و حقوق جزائی شعبة از حقوق عمومی است .

رابطه بین حقوق جزائی و حقوق مدنی

اما باید دانست که با وجود این اختلاف بین حقوق جزائی و مدنی از طرفی و حقوق جزائی و علم اخلاق از طرف دیگر بین این علوم شباهت و روابطی موجود است بدون تردید حقوق مدنی خسارات وارده بشخص و حقوق جزا خسارات اجتماعی را ترمیم میکند و دعوی حقوقی که شخص زیان دیده اقامه میکند در مقابل مجاکم حقوقی اقامه میشود که از مجاکم جزائی مشخص هستند ولی تحصیل اصول مجاکمات جزائی نشان میدهد که از بعضی لحاظ بین جنبه خصوصی و عمومی مجبور با ایجاد رابطه کامل شده و مجنی علیه از نظر تعقیب جنبه عمومی جرم نهایت اهمیت را حائز است و اختلاط دائمی حقوق جزا و حقوق مدنی را باعث میشود .